

## تئوری خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مبنای قواعد اسلامی با نگاهی گذرا به رویه قضایی انگلستان<sup>۱</sup>

محمد رجبعلی دماندی<sup>۲</sup>، پژمان پیروزی<sup>۳</sup>، شکوه نامدار<sup>۴</sup>، مهشید سادات طبائی<sup>۵</sup>

### چکیده

در حقوق شرکتهای تجاری، این قاعده که یک شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی جداگانه ای از شرکاء می باشد یک قاعده بنیادی و اساسی است. جدایی شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء و مسئولیت محدود شرکاء در قبال دیون شرکت باعث گردیده است تا شرکتهایی که تابع نظام مسئولیت محدود شرکاء هستند، پوشش مناسبی برای فعالیتهای پر خطر و بعضاً متقلبانه شرکاء فراهم آورند. این مساله موجب به خطر افتادن اموال و دارایی شرکت می گردد، اما در عین حال ریسک چنین خطراتی بواسطه مسئولیت محدود شرکاء بیرونی شده و به بستانکاران شرکت تحمیل می گردد. قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در حقوق انگلستان یک ضمانت اجرای انصافی است که موجب کنار نهادن شخصیت حقوقی شرکت و لغو قاعده مسئولیت محدود شرکاء کنترل کننده و مسئولیت مستقیم آنها در قبال بستانکاران می گردد. در حقوق ایران و با استناد به قواعد اسلامی از جمله لاضرر، منع سوء استفاده از حق (اصل ۴۰ قانون اساسی) و قاعده منع تقلب می توان تئوری خرق حجاب را با این قواعد تطبیق نمود. در این مقاله ابتدا قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی تبیین و سپس رویه قضایی انگلستان و ایران با استناد به قواعد فقهی و کامن لا مورد بررسی قرار می گیرد.

**کلید واژه:** خرق حجاب شخصیت حقوقی، تقلب، شرکت های تجاری، مسئولیت محدود

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۴۰۰، تاریخ پذیرش: ۰۱ دی ۱۴۰۰.

<sup>۲</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس - تهران - ایران .

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. (نویسنده مسئول)

<sup>۴</sup> استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت (یزد).

<sup>۵</sup> استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک.

## مقدمه

در خصوص شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری ایران و آثار آن از جمله حقوق و تعهدات ناشی از قراردادهایی که شخص حقوقی با اشخاص ثالث منعقد می نماید، بحث و گفتگو بسیار است. از آنجائیکه مطابق ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ کلیه شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی می باشند و بر طبق مواد ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون تجارت، شخص حقوقی مانند شخص طبیعی دارای کلیه حقوق و تکالیفی است که قانون برای اشخاص شناخته و همچنین تصمیمات شخص حقوقی توسط مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود، لذا در مجموع بایستی گفت که در حقوق ایران اصل استقلال مطلق شخصیت حقوقی وجود دارد و لذا رخنه در این شخص و کنار زدن پرده حجاب شخصیت حقوقی نیازمند دلیل قوی و استدلال منطبق با قوانین موضوعه است. از طرفی دیگر ما با حقوق کشورهای تابع نظام کامن لا مواجه می باشیم که در آن علی رغم مصوبات اخیر قانونگذاری از جمله قانون شرکتهای سال ۲۰۰۶ انگلستان، کماکان رویه قضایی، پیشتاز در این زمینه می باشد.

در این نظام حقوقی، آنچه که بیشتر از همه مد نظر رویه قضایی قرار دارد مباحث عدالت و انصاف در آراء قضایی است. در خصوص بحث حاضر نظرات اکثریت قضات دادگاه عالی انگلستان مانند رویه های پیشین مبتنی بر اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود سهامداران و شرکای شرکت تجاری می باشد و در صورتیکه این قواعد در حیطه حيله و تقلب صورت گیرد در آن صورت با لحاظ شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر هر قضیه، حکم مقتضی صادر می گردد. لذا به طور مثال گاهی در خصوص دو پرونده مشابه از دو دادگاه نظام کامن لا، دو رای متفاوت ناشی از برداشتهای قضات دادگاهها وجود دارد. لذا بایستی در خصوص هر پرونده شرایط آن را مدنظر قرار داد. (فورجی، ۲۰۰۷، ۲۳)<sup>۶</sup>

### ۱: تبیین قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی

پیش از پرداختن به قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی لازم است ابتدا مقدماتی در خصوص ماهیت، استقلال و مسئولیت محدود شخصیت حقوقی بیان تا ارتباط قاعده با زیر بنای شخصیت حقوقی و آثار آن مشخص گردد. رجوع به قاعده خرق حجاب نیازمند شناسایی ماهیت شخصیت حقوقی خواهد بود.

#### ۱-۱: ماهیت شخصیت حقوقی

از لحاظ حقوقی، فقط شخص می تواند صاحب حق و تکلیف و به تعبیر دیگر طرف حق باشد و شخص یا طبیعی است و یا حقوقی.

شخص طبیعی که شخص حقیقی نیز نامیده می شود، عبارت از افراد انسانی است. افراد، گاهی برای وصول به مقاصد انتفاعی و یا غیر انتفاعی خود گروه هایی تشکیل می دهند و سرمایه و فعالیت خود را در این گروه ها متمرکز می کنند. قانون برای این گروه ها که بر طبق شرایط مقرر تشکیل شده باشند، شخصیت مستقلی قائل است. این گروه ها که مانند افراد انسان می توانند نام و اقامتگاه و دارایی داشته باشند و طرف حق و تکلیف واقع گردند، اشخاص حقوقی نامیده می شوند. به علاوه پاره ای از اموال نیز که به هدف خاصی اختصاص داده شده اند مانند موقوفه، دارای شخصیت حقوقی هستند. بنابراین می توان گفت شخص حقوقی عبارت از دسته ای از افراد که دارای منافع مشترک بوده و یا پاره ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده اند و قانون آنها را طرف حق می شناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل است مانند دولت، شهرداری، شرکتهای تجاری و ...

قانون تجارت ایران برای شرکت های تجاری شخصیت حقوقی قائل شده است. (ماده ۵۸۳ قانون تجارت) دارا بودن شخصیت حقوقی به این معناست که شرکت صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها را

<sup>6</sup> Forjii, 2007.

دارد. شخصیت حقوقی ویژگی مشترک کلیه شرکت های تجاری است. طبق ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران، تمام شرکت های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند مشروط بر اینکه مطابق این قانون تشکیل شده باشند. این شرکت ها همان شرکت هایی هستند که در ماده ۲۰ قانون تجارت آمده اند و کل شرکت های تجاری را تشکیل می دهند. علاوه بر این، در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، در مقام تعیین صلاحیت دادگاه های دادگستری نسبت به دعوا علیه شرکت های تجاری، موادی گنجانده شده که به وضوح به شناسایی شخصیت حقوقی برای شرکت های تجاری از طرف قانون گذار اشاره دارد. برای مثال ماده ۲۲ این قانون مقرر می دارد: دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت های بازرگانی که مرکز اصلی آن در ایران است در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود این ماده متضمن این نکته است که دعوا علیه شرکت باید علیه خود شرکت اقامه شود و این امر ممکن نیست، مگر آن که برای شرکت، شخصیت حقوقی مستقل از شرکا قائل شویم. شخصیت حقوقی شرکت دارای این ویژگی مفید است که می تواند با ضروریات عملی منطبق شود. این شخصیت گاه ثابت و تغییر ناپذیر است. برای مثال تغییر شکل شرکت موجب محو شخصیت حقوقی شرکت و سپس ایجاد آن نمی شود. تغییر موضوع شرکت، اثری در شخصیت حقوقی شرکت ندارد. تغییر در شخصیت شرکا شخصیت شرکت را تغییر نمی دهد و شخصیت شرکت حتی برای مدت بعد از انحلال و برای امر به تصفیه باقی می ماند. برعکس، گاه شخصیت شرکت برای حفظ منافع اشخاص ثالث از بین می رود. از جمله وقتی که شریکی بدهکار است و تنها مالی که دارد حصه او در شرکت است، طلبکار می تواند بدون توجه به شخصیت شرکت، سهم شریک در شرکت را توقیف کند. (ماده ۱۲۹ قانون تجارت) شخصیت حقوقی شرکت به شرکا امکان می دهد که سنگینی مسئولیت خود بابت معاملات شرکت با اشخاص ثالث را تقلیل دهند. این امر به ویژه در مورد شرکت هایی که در آنها مسئولیت شرکت محدود به آورده است، صدق می کند. از سوی دیگر، شخصیت حقوقی شرکت به طلبکاران شرکت امکان می دهد به جای مراجعه به تک تک شرکا به شرکت مراجعه کنند که دارای دارایی مستقل است و این دارایی قبل از هر چیز تضمین طلب آنهاست. اما استفاده از شخصیت حقوقی برای از میان بردن مسئولیت نباید وسیله ای برای پنهان کردن فعالیت واقعی شرکا باشد. شرکت باید واقعاً وجود داشته باشد و نباید فقط نوشته بر روی کاغذ باشد. البته اگر قرارداد شرکت صوری باشد، شرکت به موجب قواعد عام، موجود محسوب نمی شود و کسانی که وانمود کنند شرکتی وجود دارد، با جمع بودن شرایط دیگر قانونی کلاهبردار تلقی خواهند شد. (اسکینی - ۱۳۹۳، ۱۶)

شخصیت حقوقی شرکت سهامی، چون هر شرکت دیگری، مستقل از شخصیت شرکا است با این تفاوت که استقلال شخصیت حقوقی آن از شخصیت شرکا، بیشتر از شرکت های دیگر است در واقع، اگر در شرکت های دیگر به ویژه شرکت های اشخاص، حوادثی که برای شرکت ها اتفاق می افتد در حیات شرکت موثر است، در شرکت سهامی وضع به گونه دیگری است. برای مثال فوت یا حجر شرکا که در شرکت تضامنی به انحلال احتمالی شرکت منجر می شود، در موجودیت شرکت سهامی تاثیری ندارد. (اسکینی، ۱۳۹۳، ۱۸)

### ۲-۱: آثار شخصیت حقوقی

به موجب قانون تجارت ایران اشخاص حقوقی نیز به مانند اشخاص حقیقی از کلیه حقوق، اختیارات، تعهدات و تکالیف شخص حقیقی جز اموری که مربوط به طبیعت خاص انسان است مانند حق زوجیت، ابوت، بنوت و نظایر آن، برخوردارند. بنابراین قانون تجارت به موجب ماده ۵۸۳، برای کلیه شرکت های تجاری مذکور در ماده ۲ این قانون شخصیت حقوقی قائل شده است. برای درک این موضوع و هدف قانونگذار از اختصاص دادن چنین امتیاری به شرکت های تجاری لازم است نخست به تبیین شخصیت حقوقی بپردازیم و سپس به بررسی آثار مترتب بر این امتیاز قانونی پرداخته شود. از شخصیت حقوقی تعاریف گوناگونی مطرح گردیده است اما همه آن

ها دارای یک وجه مشترک می باشند و می توان از جمع آن ها شخصیت حقوقی را امتیازی تعبیر نمود که شخص حقوقی مستقل از شرکا دارا بوده و می تواند به واسطه آن راساً دارای حقوق و تکالیف گردیده و بالتبع آن، آثار حقوقی مجزایی را نیز به دنبال خواهد داشت. شخصیت حقوقی، ویژگی مشترک تمامی شرکت های تجاری است و هم شامل شرکت هایی می شود که طبق قانون تجارت و با رعایت تشریفات مد نظر آن خود را تحت عنوان یکی از شرکت های موضوع ماده ۲۰ ق.ت. در آورده و به ثبت رسانند و هم شرکتهای عملی که به ثبت نرسیده اندو به موجب ماده ۲۲۰ قانون تجارت تضامنی محسوب می گردند، می شود.

### ۱-۳: مفهوم مسئولیت محدود :

مراد از مسئولیت محدود اصلی است که به موجب آن شرکای یک شرکت بیش از آورده خود در شرکت، مسئولیتی در قبال بدهی های آن نخواهند داشت. در تمام معاملات و قراردادهای شرکت با اشخاص ثالث، حقوق شرکت ها شرطی را به طور خودکار ملحوظ می دارد که به موجب آن حق مطالبه طلبکاران محدود به اموالی است که متعلق به خود بنگاه می باشد و هیچگونه حقی برای بر اموال شخصی شرکا یا مدیران آن بنگاه نخواهند داشت.

### ۱-۴: مفهوم قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی:

خرق حجاب شخصیت حقوقی<sup>۷</sup> در زبان انگلیسی با عبارات زیر خوانده می شود؛ قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت را اینگونه می توان تعریف کرد: نادیده گرفتن قاعده مسئولیت محدود از سوی دادگاه ها به منظور وصول مطالبات طلبکاران شرکت از محل اموال و دارایی های شریک به نحوی که گویی دین و یا تعهد مورد بحث، دین و یا تعهد شخص شریک است. در واقع در قالب قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، دادگاه ها قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری را نادیده گرفته و مسئولیت اقدامات شرکت را به شریک و یا شرکای شرکت منتسب می نمایند، به نحوی که گوئی آن اقدامات را شریک شخصا انجام داده است. با توجه به این توصیف می توان گفت که قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، یکی از استثنائات قاعده ی استقلال شخصیت حقوقی شرکت و قاعده ی مسئولیت محدود است که تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص توسط دادگاه ها بکار گرفته می شود. (زارع، ۱۳۹۲، ۳۸؛ فرجی، ۱۳۹۰، ۶۴)

دادگاه ها در صورتی دین و یا تعهد شرکت را به شریک تحمیل می کنند که به این نتیجه برسند که شخصت حقوقی فرضی مقنن، در قضیه ی مطروحه واقعا وجود ندارد؛ بلکه شرکت صرفا به عنوان وسیله و آلت دستی برای رسیدن به هدف های نامشروع و غیر قانونی است. در واقع اساس نظریه ی خرق حجاب بر این اندیشه ی منطقی استوار است که مطلق انگاشتن قاعده ی مسئولیت محدود و اجرای بی قید و شرط آن، در برخی موارد منجر به نتایج ناعادلانه می شود. در مواردی که برای دادگاه احراز می شود که شرکت صرفا یک نوع ابزار و آلت دست و پوششی است که در ورای آن، هدف های متقلبانه، پیگیری می شود، در چنین مواردی، عدالت و انصاف ایجاب می کند که بدون توجه به قاعده ی مسئولیت محدود، مسئولیت دیون و تعهدات شرکت به شرکای شرکت و یا اشخاصی که در ورای پوشش شخصیت حقوقی شرکت به دنبال هدف های نامشروع خود هستند، تحمیل شود؛ چونکه در واقع و نفس الامر، دین و یا تعهد مورد بحث، منتسب به شخص شریک است و نه شرکت. (فرجی، ۱۳۹۰، ۶۹).

<sup>۷</sup> - Piercing the corporate veil lifting the corporate veil Alter ago.

## ۲: قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در بستر رویه قضایی انگلستان و ایران

با توجه به تبیین قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در بخش اول، در این بخش این قاعده در بستر رویه قضایی انگلستان بر اساس حقوق کامن لا و سپس در رویه قضایی ایران بر اساس حقوق اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱: قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در رویه قضایی انگلستان

در این بند تعدادی از آراء قضایی قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مبنای حقوق کامن لا بیان می‌گردد:

#### ۲-۱-۱: دعوی سالمون

مهم‌ترین پرونده ای که رویه قضایی این دوران بر آن استوار است دعوی سالمون می‌باشد. آقای سالمون تولیدی چکمه‌ی چرم داشت و به عنوان پیمانکار دولتی و بازرگان چرم فعالیت می‌کرد. وی تصمیم گرفت شرکتی با همین نام تأسیس کند که تنها سهامدار آن خود وی بود. در زمان تشکیل و ثبت شرکت، حسابداری را استخدام کرد و حسابدار حساب‌های وی را طوری تغییر داد که ارزش دارایی شرکت بیش از ارزش واقعی نشان داده شود. پس از تشکیل، شرکت سالمون از دو نفر (یکی شخص آقای سالمون و دیگری آقای بوردیپ) وام گرفت، ولی در مدت کوتاهی مشخص شد که قادر به پرداخت سود و اصل وام‌ها نیست. در دعوی که بوردیپ علیه شرکت سالمون مطرح نمود از دادگاه خواست که شخص آقای سالمون را نیز محکوم به پرداخت دین نماید.

دادگاه بدوی و تجدیدنظر با ملاحظه‌ی سوابق تجارتخانه سالمون و اسناد ارائه شده در زمان تشکیل شرکت نتوانست هیچ نوع تقلبی را احراز کند. لیکن، به این نتیجه رسید که شرکت سالمون را نمی‌توان شخص حقوقی مستقل از آقای سالمون محسوب نمود. آقای سالمون شرکت را تأسیس کرده که از کل سود ناشی از فعالیت شرکت بهره‌بردار بدون آنکه زیان‌ها و هزینه‌های ناشی از فعالیت تجاری مزبور را متحمل شود. در نتیجه به محکومیت آقای سالمون رای دادند. لیکن، مجلس اعیان به اتفاق آراء این احکام را نقض و مقرر نمود این امر که مالک سهام شرکت یک شخص بیشتر نیست، در تعیین شخصیت حقوقی آن بلااثر است. طلبکار به طور کامل مطلع بوده است که با شرکت با مسئولیت محدود معامله می‌کند و سوابق ثبت شرکت نشان می‌دهد که شرکت مزبور تنها یک شریک دارد. به علاوه، نمی‌توان قائل بدان شد که شرکت نماینده آقای سالمون بوده است. اصولاً شرکت به جای شرکاء و سهامداران و یا از طرف آن‌ها معامله می‌کند و این امر رابطه‌ی آن‌ها را به رابطه‌ی نماینده و اصیل تبدیل نمی‌کند تا بتوان سهامدار/شریک را به عنوان اصیل مسئول دیون شرکت دانست. این حکم تاریخی، اثر ثبت را نسبت به شرکت‌ها تثبیت نمود و به عنوان تأییدی بر مسئولیت محدود شرکاء و شخصیت حقوقی مستقل شرکت شناخته شد. (اسمیت، ۲۰۰۹، ۱۳)

#### ۲-۱-۲: پرونده ماکورا علیه شرکت بیمه‌ی شمالی،

پرونده دیگری است که در همین راستا در این دوره مطرح گردید و نتیجه‌ی مشابهی داشت. آقای ماکورا مالک چندین هکتار جنگل و درختکاری بود و آن را به شرکتی که خود مالک کلیه‌ی سهام آن بود، منتقل نمود. دو هفته بعد از انتقال حق بهره‌برداری و مالکیت درختان غرس شده در زمین، آتش‌سوزی کلیه‌ی درختان را از بین برد. از سالیان قبل، آقای ماکورا با شرکت بیمه‌ی شمالی قرارداد بیمه‌ی آتش‌سوزی تنظیم کرده بود. قرارداد بیمه‌ی کلیه‌ی اموال و دارایی‌های آقای ماکورا را تحت پوشش قرار می‌داد. زمانی که وی برای مطالبه‌ی خسارت وارده به شرکت بیمه مراجعه نمود، شرکت بیمه با استناد به مالکیت شرکت نسبت به درختان و شخصیت حقوقی مستقل شرکت از پرداخت خسارت متعلقه امتناع نمود. مجلس اعیان انگلستان مقرر نمود؛ شخصیت حقوقی شرکت و آقای ماکورا از یکدیگر مستقل است و نمی‌توان تعهد شرکت بیمه را که مستقیماً در قبال آقای ماکورا و اموال وی صورت پذیرفته، به شرکت جدیدالتأسیس وی تعمیم داد. دادگاه با این استدلال دعوی آقای ماکورا و خواسته‌ی

خرق شخصیت حقوقی را از طرف وی رد کرد. (میلون، ۲۰۰۷، ۱۴) در این دوره با وجود اینکه مجلس اعیان نسبت به اجرای اصل شخصیت حقوقی مستقل مصمم بود و رویه ی قضایی خود را بر این مبنا استوار کرده بود، دادگاه های عالی و تجدیدنظر نسبت به خرق شخصیت حقوقی تمایل نشان می دادند.

### ۳-۱-۲: پرونده های گیلفورد، جونز و بوگلس پرس:

دادگاه ها در شرایط مختلفی حکم به خرق حجاب شخصیت حقوقی صادر نمودند. در این پرونده ها، خواندگان به حکم صادره در پرونده سالمون استناد می کردند و در مقام دفاع، رویه ی قضایی مجلس اعیاندر حمایت از اصل استقلال و مسئولیت محدود شخصیت حقوقی را از موجبات رد دعوی خواهان اعلام می کردند. لیکن، دادگاه ها با تفسیر مضیق از آراء صادره توسط مجلس اعیان، رویه ی قضایی را محدود به اوضاع و احوال خاص منجر به رأی و غیر قابل تسری به دعوی مطروحه می دانستند. (میلون، ۲۰۰۷، ۱۵)

### ۴-۱-۲: پرونده گیلفورد موتور علیه هورن،

از این قرار بود؛ قرارداد استخدام آقای هورن، مدیر شرکت گیلفورد، وی را از جذب مشتریان شرکت گیلفورد در زمان ترک شرکت مزبور منع کرده بود. آقای هورن از شرکت اخراج شد و کسب و کار مستقلی راه انداخت تا قیمت های شرکت گیلفورد را تحت تأثیر قرار دهد. وکیلی به وی مشاوره داد که این اقدام وی نقض قرارداد استخدام سابق او محسوب می شود. به دنبال آن آقای هورن شرکت مسئولیت محدود هورن را به اتفاق همسر و دوست نزدیکش تشکیل داد. این شرکت به همان کسب و کار اشتغال یافت و آن را ادامه داد و در آگهی های تبلیغاتی، خود را ارائه دهنده ی خدمات تعمیر و نگه داری ماشین آلات شرکت گیلفورد معرفی می نمود. شرکت گیلفورد علیه آقای هورن اقامه ی دعوا کرد. دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ولز مقرر داشت شرکت هورن به عنوان وسیله ای برای مخفی کردن نقض قرارداد توسط آقای هورن مورد استفاده قرار گرفته است. هدف از تأسیس این شرکت انجام اقداماتی بوده است که اگر آقای هورن خود رأساً بدان ها می پرداخت مورد اعتراض شرکت گیلفورد قرار می گرفت. (لیپسون، ۲۰۰۳-۲۰۰۲، ۱۲)

### ۵-۱-۲: پرونده جونز علیه لیمن

پرونده ی دیگری که در آن شخصیت حقوقی با موفقیت خرق شد، پرونده ی جونز علیه لیمن است. آقای لیمن قراردادی با آقای جونز منعقد نمود و تعهد کرد زمین خود را به وی منتقل کند. در این اثنا از انتقال زمین به آقای جونز منصرف شد و به منظور رهایی از اجرای قرارداد، شرکتی تأسیس نمود و زمین مزبور را به آن شرکت منتقل نمود. سپس، در مقابل آقای جونز با استناد به عدم مالکیت خود، مدعی عدم توانایی در انتقال ملک به وی گردید. دادگاه عالی حکم به خرق حجاب شخصیت حقوقی صادر کرد. استدلال دادگاه این بود که شرکت مزبور به عنوان پوششی برای مخفی کردن حقیقت تشکیل شده است و لذا حکم به اجرای عین قرارداد نمود. (هیگس، ۲۰۰۴، ۷۸)

### ۶-۱-۲: در پرونده ی موفق دیگری به نام بوگلس پرس:

سهامداران عمده شرکت بوگلس در تلاش بودند سهام سهامداران جزء را به اجبار خریداری کنند. بر طبق قانون اگر در شرکتی صاحبان اکثریت سهام شرکتی تصمیم به فروش سهام خود بگیرند، سهامداران جزء نیز ملزم به فروش سهام خود هستند. سهامداران عمده شرکت ثانویه ای تشکیل دادند و سهام خود را به آن شرکت فروختند. از آنجا که سهام آن ها ۹۰ درصد سهام شرکت را تشکیل می داد، سهامداران جزء نیز ملزم به فروش شدند. سهامداران جزء به خواسته ی ابطال معامله مزبور اقامه ی دعوا کردند. دادگاه با خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت دوم، آن را صرفاً پوششی برای تحصیل اهداف سهامداران عمده دانست و مقرر نمود شرکت دوم نمی تواند

سهام سهامدار جزء را تحصیل کند. (کالیسون، ۲۰۰۳، ۸۷)

## ۲-۲: قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مبنای حقوق اسلامی در حقوق ایران

همان طور که در ابتدای پژوهش اشاره گردید رویه قضایی ایران با قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بیگانه است. اکثریت حقوقدانان ایران دو اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود را مطلق انگاشته و نفوذ در این پوشش را غیر قابل قبول می دانند. منتها با تتبع در قوانین و مقررات می توان به روزه هایی در این خصوص دست یافت. مبانی قابل اتکاء در این زمینه در حقوق ایران عبارتند از:

۱- مبنای تقلب ۲- قاعده لاضرر و منع سوء استفاده از حق

### ۲-۲-۱: مبنای تقلب

تقلب نسبت به قانون عبارت است از عملی که به خودی خود قانونی است، ولی به قصد طفره رفتن از قانون آمره یا بازدارنده انجام می شود. به بیان دیگر تقلب نسبت به قانون، به کار گیری وسایل صحیح و قانونی برای رسیدن به اهداف و نتایج غیر قانونی است. آنچه که در خصوص تقلب مهم جلوه می نماید، قصد اضرار به دیگران است. عامل تقلب به این معناست که دادگاه ها قادر هستند تا در هر زمانی که اداره کننده شرکت، از شرکت جهت جلوگیری از تعهدات قانونی سوء استفاده می نمایند از اعمال قاعده خرق حجاب استفاده نمایند. در این شرایط، دادگاهها مسئولیت را بر خود شرکت تحمیل نموده یا اینکه شرکت را نادیده گرفته و به سهامداران شرکت نظر افکنده و بر این اساس اجازه نخواهند داد تا از شخصیت حقوقی مستقل شرکت سوء استفاده گردد. در برخی موارد، شرکای شرکت تجاری واقعا قصد تاسیس شرکت تجاری را ندارند، ولی برای اینکه به هدفهای غیر قانونی و غیر شرعی خود نائل آیند به صورت صوری اقدام به تاسیس شرکت تجاری می کنند. اگر ثابت شود که در تاسیس شرکت، شریک و یا شرکای شرکت واقعا اراده تشکیل شرکت را نداشته اند و صرفا به منظور سرپوش نهادن به هدفهای غیر قانونی خود، به آن اقدام کرده اند، چنین شرکتی باطل است. در برخی از پروندههای حقوقی شعب دادگاههای حقوقی تهران می توان نشانههایی از استفاده متقلبانه از شکل شرکت تجاری را مشاهده کرد. در یکی از این پرونده ها مطرح در شعبه ۳۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران<sup>۸</sup>، دادگاه به صراحت به نظریه تقلب تمسک نکرده و محکومیت شخص ثالث را از طریق نظریه نمایندگی توجیه کرده است. اما چنانچه دادگاه رای خود را به مبنای تقلب نیز آراسته می کرد، از استواری و اتقان بیشتری برخوردار می شد. در دعوی مذکور شخص الف به عنوان خواهان، دعوایی به طرفیت شرکت تجاری ب به خواسته الزام شرکت به تنظیم سند رسمی یک دستگاه آپارتمان مسکونی پیش فروش شده توسط شرکت خوانده را مطرح می نماید. در اثنای دعوا، خواهان اطلاع می یابد که سند رسمی آپارتمان مذکور به نام اشخاص حقیقی خارج از شرکت خوانده اصلی است. بر این اساس طی دادخواست دیگری با عنوان دعوای جلب ثالث، اشخاص مزبور را نیز به دادرسی جلب می کند. خواندگان دعوای اخیر در مقام دفاع از خود بدین نحو استدلال می کنند که شرکت شخصیت حقوقی مستقل دارد و تعهدات حاصل از قرارداد پیش فروش (تنظیمی توسط خوانده اصلی) صرفا متوجه شخص شرکت به عنوان شخص حقوقی مستقل بوده و این قرارداد نمی تواند برای اشخاص ثالث، ایجاد تعهد نماید. بر این اساس، دعوا را متوجه خود ندانسته، رد آن را درخواست می کنند. دادگاه پس از استماع دفاعیات خواندگان، بر مبنای قرارداد پیش فروش تنظیمی توسط شرکت سازنده (خوانده اصلی)، به محکومیت اشخاص خارج از شرکت (خواندگان دعوای جلب ثالث) مبنی بر حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی آپارتمان حکم نموده است. دادگاه در توجیه رای خود چنین استدلال می کند:

<sup>۸</sup>: پرونده کلاسه ۹۲/۳۱/۲۳۴ مطروحه در دادگاه شهید بهشتی تهران.

با توجه به مفاد صورتجلسه مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ این دادگاه، رونوشت اوراق تاسیس شرکت خوانده و این که خوانندگان حقیقی (مجلوبین ثالث) نسبت خانوادگی درجه یک دارند و شرکت خوانده نیز به صورت خانوادگی است، محرز و مسلم است که شرکت (خوانده اصلی) با اجازه خوانده ردیف دوم (مجلوب ثالث) اقدام به فروش آپارتمان مورد نزاع نموده است. دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت تلقی، مستندا به مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی، خوانده ردیف دوم دعوی (مجلوب ثالث) را ملزم به تنظیم سند رسمی ششدانگ آپارتمان مورد نزاع در حق خواهان می نماید. (فرجی، ۱۳۹۰؛ ۶۹ و حیدری، ۱۳۹۴؛ ۲۳۴)

باید میان فرضی که شخص برای اجتناب از تحمل مسئولیت مدنی احتمالی ناشی از فعالیت‌های تجاری، شرکت تاسیس می‌کند و فرضی که فرد برای فرار از یک تکلیف قانونی، تمهید مقدمه می‌کند تفکیک نمود. در فرض نخست اقدام شخص قانونی و همسو و هماهنگ با سیاست‌های مبنایی شناخت قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و قاعده مسئولیت محدود است، در حالی که در فرض دوم قضیه متفاوت است. در چنین مواردی مقدمات فرار از قانون، از قبل آماده می‌شود تا در زمان مناسب علیه قانون به کار رود. (فدایی و حسینی، ۱۳۹۵-۷۶) مشابه همین مورد را در پرونده شرکت کیپ در حقوق انگلستان مورد مطالعه قرار دادیم. در خصوص مبنای تقلب در حقوق ایران می‌توانیم از مقررات پراکنده قانونی از جمله مواد ۹ و ۲۱۸ و ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۹ قانون اصلاح قانون ثبت مصوب ۱۳۸۶ و قانون روابط موجر و مستاجر سال ۱۳۵۶ استفاده نماییم. در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که اگر شرکت اقدامات جاری خود را بر حسب رویه تجاری متعارف انجام دهد، به هیچ وجه نوبت به قاعده خرق حجاب نخواهد رسید. مشکل در زمانی بروز می‌نماید که از این ساختار قانونی به صورت متقلبانه و یا انگیزه نامشروع سوء استفاده می‌گردد که این امر با ذات حقوق شرکتها مغایر بوده و مخالف روح حاکم بر آن خواهد بود. در این جا است که قاعده خرق حجاب در صدد جبران این نقیصه به کمک قانون و طرف آسیب دیده از آن خواهد آمد.

## ۲-۲: مبنای لاضرر و منع سوء استفاده از حق

علاوه بر منابع مسلم فقهی، در حقوق ایران اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی به صورت روشن به مبنای لاضرر و منع سوء استفاده از حق پرداخته است. قواعد لاضرر و منع سوء استفاده از حق می‌توانند به عنوان مبنای اعمال قاعده ی خرق حجاب شخصیت حقوقی در حقوق ایران مورد استناد قرار گیرند. در مواردی که مسئولیت سهامداران، مدیران یا شرکت‌های مادر به استناد تقصیر قابل توجیه نمی‌باشد و نمی‌توان از قواعد عمومی مسئولیت مدنی که مبتنی بر تقصیر است استفاده نمود، می‌توان با استناد به قاعده ی لاضرر و منع سوء استفاده از حق به طلبکار اجازه داد مطالبات خود را از اموال شخصی شرکا استیفا نماید. با ورود قاعده ی لاضرر احکام ضرری برداشته می‌شوند و چنین حکمی نفی می‌شود. (محقق داماد- ۱۳۸۳: ۱۵۳ و مکارم شیرازی، ۱۴۱۶؛ ۵۸) از معانی مسلم قاعده "لاضرر و لاضرار فی الاسلام"، نفی احکام ضرری است که در غیر آن مباح بوده اند و به سبب امری خارجی موجبات ورود ضرر به شخصی را فراهم می‌کنند. (خویی، ۱۴۱۷؛ ۵۱۸) مورد اعمال قاعده ی لاضرر در حقوق شرکت‌ها اینگونه خواهد بود که اگر جریان حکم مسئولیت محدود شرکاء، مدیران و یا شرکت‌های مادر در گروه‌های شرکت‌های تجاری، موجب ضرر غیرموجه طلبکاران شود، به حکم قاعده ی لاضرر، حکم مسئولیت محدود تا جایی که برای رفع ضرر ضرورت دارد زائل می‌گردد. مسئولیت محدود حقی را برای بهره‌مندان از آن ایجاد می‌کند که این حق تا زمانی معتبر است که وسیله‌ی تجاوز به حقوق دیگران و ورود خسارت به غیر قرار نگیرد. (بجنوردی، ۱۴۱۹؛ ۲۱۶) در صورتی که از حق ناشی از مسئولیت محدود در شرکت به جهتی غیر از جهت متعارف، معقول و منصفانه استفاده شود می‌توان به استناد لاضرر حکم ضروری مطلق بودن مسئولیت محدود را نادیده گرفت و بر آن استثنا وارد نمود. این مبنا در کلیه‌ی مصادیق خرق حجاب شخصیت

حقوقی صرف نظر از قصد و هدف شخص واردکننده ضرر قابل استناد است. به عبارت دیگر، حتی اگر سهامداران، مدیران یا شرکت مادر بدون قصد ضرر نیز از حق خود به گونه ای بهره برداری نمایند که موجبات ورود خسارت غیرقابل جبران به غیر را فراهم می کند، می توان به استناد این قاعده مسئولیت محدود را نادیده گرفت.

فقها مستند اساسی این قاعده را حدیث مشهوری از نبی اکرم می دانند که مضمون آن به این قرار است: شخصی بنام سمره بن جندب مالک نخلی در باغ یکی از مردم مدینه بود. منزل صاحب باغ، مجاور در ورودی این باغ بود. چون سمره هنگام ورود به نخلستان، تحصیل اذن نمی کرده، این امر موجب مزاحمت و ناراحتی برای صاحب باغ بوده است. صاحب باغ به سمره تذکر می دهد که هنگام ورود به باغ از او اجازه بگیرد ولی سمره می گوید این راهی است که مربوط به درخت من است و من حق عبور از این راه را دارم و از کسب اجازه استنکاف می کند. صاحب باغ که از این امر در سختی و زحمت بوده، شکایت نزد نبی اکرم (ص) می برد. وقتی پیامبر اکرم (ص) نمی توانند سمره را راضی به معاوضه ی این درخت با درخت های دیگر کنند و نیز سمره حاضر به فروش این درخت به هیچ قیمتی نمی شود و به بهانه ی داشتن حق عبور از کسب اجازه نیز امتناع می نماید، حضرت به صاحب باغ دستور می دهد که درخت را بکن و نزد او ببنداز و خطاب به سمره می فرماید: «انک رجل مضار و لاضرر و لاضرار فی الاسلام». (محقق داماد، ۱۳۸۳؛ ۱۳۴ و موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵؛ ۲۵)

صرف نظر از نظرات مختلف در مورد مدلول حقیقی این قاعده، چند نکته اساسی از این قاعده قابل استنباط است:

#### ۱: منع سوء استفاده از حق (آزاد نبودن صاحب حق در چگونگی اجرای آن):

در تحلیل واژه های «ضرر و ضرار» در قاعده ی لاضرر، برخی فقهاء، «ضرر» را مطلق خسارت های وارد بر دیگری اعم از اینکه شخص قصد ضرر را داشته باشد و یا نداشته باشد، و اعم از اینکه ناشی از حکم باشد و یا فعل، می دانند؛ ولی کلمه «ضرار» را مربوط به ضرر هایی می دانند که شخص تعدا و با قصد، به دیگری وارد می سازد. (شیخ انصاری، ۱۴۲۳؛ ۲۳۸ و مصطفوی، ۱۴۲۱؛ ۲۳۸) برخی نیز ضمن ارائه ی تعریفی مشابه گروه قبل از واژه ی «ضرر»، در تعریف، «ضرار»، آن را به مواردی اطلاق می کنند که «شخص با استفاده از یک حق و با جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد». (محقق داماد، ۱۳۸۴؛ ۱۴۱ و نجفی، ۱۴۳۰؛ ۳۶) این عده «ضرار» را در اصطلاح امروز، معادل «سوء استفاده از حق» میدانند و دلیل اینکه رسول اکرم (ص) سمره را مضار خواند، انگیزه ی نامبرده از اعمال حق بوده که در استفاده از آن، انگیزه ای به جز زیان رساندن به صاحب منزل نداشته است. بنابر این، با تکیه به قاعده ی فقهی مزبور، می توان قائل به این نظر شد که از نظر اسلام، تقلب (سوء استفاده از حق) ممنوع است.

#### ۲- حکومت قاعده ی لاضرر به احکام اولیه ضرری:

در هر مورد که از اعمال احکام اولیه، ضرر نامشروع و نامتناسبی ناشی شود، قاعده ی لاضرر به عنوان حکم ثانوی و محدود کننده، دایره ی حکم اولیه را محدود می نماید و استثنائا در آن مورد، از اعمال قاعده ی اولیه خودداری می شود. از این مطلب در اصطلاح فقهی، به حکومت و یا تقدیم قاعده ی لاضرر بر کلیه ی احکام ضرری، تعبیر می شود. (نجفی، ۱۵۲) بنابر این، چنانچه صاحب حق از طریق اعمال حق خویش در پی زیان رساندن به دیگری باشد، با تمسک به قاعده ی لاضرر به عنوان قاعده ی حاکم، دایره ی قاعده ی اولیه استثنائا در این مورد خاص محدود شده و مانع تمسک صاحب حق به قاعده ی اولیه می شویم. برای مثال هر چند قاعده ی تسلیط ایجاب می کند که مالک بتواند هر نوع تصرفی را در مایملک خود بکند ولی این تصرفات تا موقعی جایز است که بقصد اضرار به همسایه نبوده و همسایه از آن متضرر نشود. بنابر این وقتی کسی ساختمان یا دیوار مرتفعی در زمین خود بنا می کند و در نتیجه ویلای همسایه را از منظره کوهستان یا دریا و یا دریاچه محروم می

سازد فقط از حق خود استفاده کرده است، ولی قاضی از پذیرفتن چنین اقدامی که منحصرنا ناشی از قصد ایذاء است امتناع می کند. (آخوند خراسانی، ۱۳۷۲: ۳۸۱)

### ۳- الزام وارد کننده ضرر، به جبران خسارت زیان دیده:

طبق برخی آرای فقهی، هر کس به دیگری ضرری وارد آورد، ملزم به جبران آن است. به نظر این فقهاء، قاعده لاضرر، علاوه بر نقش بازدارندگی، می تواند نقش سازنده هم ایفاء نماید، چونکه نمی توان باور کرد که دایره قاعده لاضرر، محدود به رفع احکام و افعال خاص وجودی باشد و نسبت به مواردی که خلاء قانونی موجب ورود زیان و خسارت می گردد، نقشی ایفاء نکند. جالب است توجه داشته باشیم جناب شیخ انصاری که خود از پیشروان نظریه رافعی در قاعده لاضرر هستند، در چند مورد از قاعده لاضرر برای وضع ضمان استفاده فرموده اند. به عنوان مثال ایشان در اثبات ضمان مقبوض به عقد فاسد، بعد از نقد قاعده ی ید به دلیل اختصاص آن به اعیان و خروج منافع از شمول آن، برای اثبات ضمان در این موارد، علاوه بر قاعده احترام، به قاعده لاضرر نیز تمسک می کنند. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۶۰۱ و سیستانی، ۱۴۱۴: ۳۰۴ و مراغی، ۱۴۱۷: ۲۲۲ و نراقی، ۱۳۲۱: ۱۸)

### ۴- ارتباط قاعده ی لاضرر به نظم عمومی:

مرحوم حضرت امام خمینی (ره) در مقام تحلیل قاعده لاضرر، نظری را ابراز نموده اند که از توجه به تحلیل معظم له، می توان ارتباط قاعده ی لاضرر را با نظم عمومی، استنباط کرد. حضرت امام (ره) برای پیامبر (ص) سه مقام نبوت و رسالت، حکومت و سیاست و قضاوت قائل هستند. معظم له دستور قلع درخت سمره را جزو احکام حکومتی حضرت پیامبر (ص) تلقی کرده و از تحلیل های خود چنین نتیجه می گیرند: «نتیجه آنکه وقتی مرد انصاری شکایت پیش پیامبر (ص) برد، پیامبر (ص) از سمره خواست که برای ورود اجازه بگیرد و وقتی که وی از این دستور تخلف نمود، نیاز به تادیب او پیش آمد. آن وقت پیامبر (ص) برای حفظ نظام جامعه دستور به قلع درخت داد و علت آن را این حکم سیاسی قرارداد که «لاضرر و لاضرر» یعنی در حوزه ی حکومت من هیچ کس حق ندارد به دیگری ضرر بزند. نکته ی مهمی که از نظر ایشان می توان استنباط کرد، ارتباط قاعده لاضرر با نظم عمومی است. به این معنی که در هر مورد که شخص به صورت متقلبانه در پی سوء استفاده از حق خویش باشد، حفظ نظم عمومی ایجاب می کند که از چنین اقدامی جلوگیری شود. (بهرامی، ۱۳۷۷: ۲۹۳-۳۰۲)

### ۵- قاعده لاضرر

به عنوان مجرای طرح بحث نظریه سوء استفاده از حق، از طریق اصل ۴۰ قانون اساسی و مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی در حقوق ایران انعکاس یافته است. به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در موردی که قانون استثناء کرده باشد». توضیح قسمت دوم ماده ۳۰ در ماده ۱۳۲ آمده است. به موجب این ماده: «کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت و یا دفع ضرر از خود باشد. همچنین مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. از مجموع مباحث مطرح شده در باب قاعده لاضرر می توان گفت که اگر جریان حکم مسئولیت محدود شرکاء، مدیران و یا شرکت های مادر در گروه های شرکت های تجاری، موجب ضرر غیر موجه به طلبکاران شود، به حکم قاعده ی لاضرر، حکم مسئولیت محدود تا جایی که برای رفع ضرر ضرورت دارد زائل می گردد. در خصوص مبنای قاعده لاضرر همان طور که اشاره گردید، ضرری مبنای خرق حجاب شخصیت حقوقی قرار می گیرد که نا متعارف باشد. اگر روند جاری شرکتهای تجاری بر اساس عرف و رویه معمول تجارت صورت پذیرفته باشد، حتی اگر در این راستا شخص ثالث طرف قرارداد با شرکت دچار ضرر و خسارت گردد، شرکت مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

## نتیجه

۱: محدود بودن مسئولیت سهامداران در شرکت‌ها به عنوان قاعده‌ی اولیه، دارای آثار و مزایای حقوقی فراوانی است، اما مبانی متعددی وجود دارد که بر اساس آن‌ها این قاعده اولیه با استثنا مواجه شده و حجاب شرکت خرق می‌شود و یا از حجاب شرکت عبور می‌شود و به تبع آن مدیران یا سهامداران به طور مستقیم یا غیر مستقیم، منفرداً و متضامناً، شخصاً مسئول تادیه دیون و اجرای تعهدات شرکت می‌شوند.

۲: قاعده خرق حجاب به منزله یک قاعده انصافی است و در عرض قاعده مسئولیت نامحدود در شرکت‌های اشخاص وجود ندارد، بلکه باید گفت که قاعده خرق حجاب به عنوان یک قاعده انصافی حاکم بر قواعد مربوط بر استقلال شخصیت حقوقی شرکاء از شرکت است و در نتیجه تفسیر آن در عرض مسئولیت نامحدود تفسیر صحیحی نیست. به عبارت دیگر شاید بتوان قاعده خرق حجاب را با قاعده لاضرر در نظام حقوقی اسلام مقایسه کرد. قاعده لاضرر سایر قواعد را تخصیص نزده است، بلکه دلیلی است که حاکم بر سایر ادله است و در مواردی که مجرای آن محقق می‌شود لاجرم باید پیاده شود.

اما به واسطه قاعده لاضرر نمی‌توان برای مثال از اصل وجود قاعده تسلیط را زیر سوال برد. این تقریر در مورد قاعده خرق حجاب بیان می‌دارد که عمومیت و شمول اصل استقلال شخصیت حقوقی از بین نرفته است و همچنان این قاعده به عنوان یک قاعده عام وجود دارد، اما در مواردی که انصاف ایجاب می‌کند می‌بایست از این قاعده عدول کرد. در حقوق کامن لا قاعده خرق حجاب یک قاعده ثانویه و علی‌البدل است و هنگامی اجرا می‌شود که حقوق به اجرای عدالت منطقی نگردد. در واقع قاعده خرق یک رویه منصفانه است که متضمن تحمیل مسئولیت بر سهامداران و شرکا است. لذا قاعده مذکور یک قاعده اولیه مبنی بر استثنا زدن بر اصل استقلال شخصیت حقوقی یا قاعده مسئولیت محدود نیست. در واقع آنچه اهمیت می‌یابد این است که اجرای مقررات و قواعد منتهی به انصاف و عدالت گردد. چنانچه در حوزه شرکت‌ها اعمال قاعده استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود منجر به بی‌عدالتی و بی‌انصافی نسبت به طلبکاران گردد، باید از این راه حل انصافی بهره جست.

۳: در حقوق ایران و انگلستان جدایی شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء به رسمیت شناخته شده است. همین استقلال شخصیت موجب گردیده است تا زمانی که شرکت به حیات خود ادامه می‌دهد مسئولیتی بر شرکاء و مدیران بار نشده و مسئولیت ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث بر عهده خود شرکت قرار داده شود. این مطلب چه در شرکتهای سرمایه و چه در شرکتهای اشخاص مشترک می‌باشد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که مطابق ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت هیات مدیره شرکت همان سهامداران شرکت می‌باشند و هر جا صحبت از مسئولیت مدیران شرکت مطرح میگردد مقارنه با مسئولیت سهامداران شرکت دارد.

## منابع

### فارسی و عربی

- ۱: آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۳۷۲ ش)، کفایه الاصول، تهران، انتشارات الاسلامیه، ج ۱
- ۲: انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۳ ق)، کتاب المکاسب، قم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، ج ۳، ج ۳
- ۳: بجنوردی، میرزا حسن، (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، ج ۱، ج ۳
- ۴: بهرامی، حمید، (۱۳۷۷)، سوء استفاده از حق (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظامهای حقوقی)، تهران، انتشارات اطلاعات
- ۵: پیری جواد، باستانی‌رضا، (۱۳۹۵)، گذر از قواعد حقوقی حاکم بر شرکتهای، کنفرانس بین‌المللی پژوهشهای نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی، تهران - موسسه مدیریت دانش شباک

- ۶: جنیدی لعیا، زارع ملیحه، (۱۳۹۴)، اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران، تحلیل مسئولیت مدیران شرکتهای سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت، مجله حقوق تطبیقی، (۱) ۶-۹۰،
- ۷: حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح، (۱۴۱۷ ق)، العنوا، ج اول، موسسه نشر اسلامی
- ۸: حیدری محمد، ۱۳۹۴، حمایت های قانونی از بستانکاران شرکتهای با نظام مسئولیت محدود- رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی
- ۹: خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۷ ق)، مصباح الاصول، قم، انتشارات مکتبه الداوری، ج ۲
- ۱۰: رحمانیان سمیه و همکاران، (۱۳۹۵)، رژیم مسئولیت زیست محیطی شرکتهای چند ملیتی در پرتو رویه قضایی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی و بین المللی، ۸ (۳۳)، ۷۵-۵۰
- ۱۱: زمانی قاسم و میرزاده منا السادات، (۱۳۹۲)، مسئولیت بین المللی دولتها در قبال اعمال شرکتهای خصوصی از منظر رویه قضایی و داوری بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۰)، ۱-۲۴
- ۱۲: سیستانی، آیت اله سید علی، (۱۴۱۴ ق)، قاعده لاضرر و لا ضرار، ج اول، نشر مکتبه سماحه آیت اله العظمی سید سیستانی
- ۱۳: شهبازی نیا مرتضی و همکاران، (۱۳۹۰)، عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس، مجله حقوقی دادگستری، ۷۵ (۷۴)، ۶۵-۹۰
- ۱۴: عابدی فیروزجائی ابراهیم، (۱۳۹۶)، نظام حقوقی حاکم بر گروه شرکتهای، تهران، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۱۵: فدایی حسن و حسینی مجتبی، (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی شرکتهای مادر و تابعه در نظام حقوقی ایران، اولین همایش ملی یافته های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، کرج، دادگستری کل استان البرز
- ۱۶: فرجی، اسماعیل، (۱۳۹۰)، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۷: کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، الزام های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی (غصب و استیفاء)، تهران، چاپ ۸، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۸: محبی محسن، (۱۳۸۳)، دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده آمریکا، ماهیت، ساختار، عملکرد، تهران، چاپ اول، نشر فردا،
- ۱۹: محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، قواعد فقه، بخش مدنی (مالکیت - مسئولیت)، تهران، چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم انسانی
- ۲۰: مصطفوی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۱ ق)، مائه قاعده الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲
- ۲۱: مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶ ق)، القواعد الفقهیه، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۲: موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۷۵ ش)، قاعده اقدام، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۲
- ۲۳: میرزایی امغانی مجید، (۱۳۹۵)، تحمیل مسئولیت بر اصیل واقعی ورای حجاب شخصیت حقوقی شرکت تجاری در یک رای قضایی، ۳ (۱۴)، ۳۷-۵۰
- ۲۴: نجفی، محمد حسن، (۱۴۳۰ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی، ج ۳۷
- ۲۵: نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۲۱ ق)، عوائد الایام، به کوشش ابوطالب نائینی، چاپ سنگی، بی جا، بی نا
- ۲۶: وحید بهبهانی، آیت اله محمد باقر، (۱۴۱۷ ق)، حاشیه مجمع الفائده و البرهان، ج اول، موسسه علامه محمد باقر وحید بهبهانی

**English Sources:**

- 1: Cabrelli David, (2010), The Case Against Outsider Reverse Veil Piercing in Company Law, University of Edinburgh, School of Law, 6(15), 320-325
- 2: Chandra Biswas Liton, (2011), Approach Of the Court in Piercing Corporate Veil, LLB (Stamford University Bangladesh), LLM with Distinction (University of Leicester), Department of Law and Justice, Southeast University, 7(13), 170-195
- 3: Kabour Reem, (2019), Revisiting the Inhibited Doctrine of Piercing the Corporate Veil in English Company Law, The King Student Law Review, 9(2), 311-324
- 4: Mandaraka Aleka, (2014), New Trends In Piercing the Corporate Law, the Conservative Versus the Liberal Approaches, Modern Maritime Law, 8(21)-20-35
- 5: Priya Judith, (2018), A Descriptive Study of the Doctrine of Lifting of Corporate Veil, International Journal of Advance, 3(3), 122-145
- 6: Shanthini P, Arya R, (2018), A Study on Lifting of Corporate Veil with Reference to Case Laws, International Journal of Pure and Applied Mathematics, 7(11), 77-93
- 7: Shittu A, (2014), Piercing the Veil of Business Incorporation: an Overview of What Warrants it, American Research Institute for Policy Development, 4(12), 230-244
- 8: Schoeman Nicolene, (2012), Piercing the Corporate Veil Under the New Companies Act, 3(3), 122-141
- 9: Upadhyay Nupur, (2015), Piercing the Corporate Veil: an Analysis of Lord Sumption Attempt Avail a Troubled Doctrine, Auckland University Law Review, 220-23

***Theory of piercing the corporate veil Based on Islamic Rules with a Brief Look at British Judicial Procedure<sup>9</sup>***

mohammad rajabali damavandi<sup>10</sup> pezhman piruzi<sup>11</sup> shokouh namdar<sup>12</sup>  
mahshid sadat tabaie<sup>13</sup>

***Abstract***

*In corporate law, the rule that a company has a separate legal personality from the partners is a fundamental rule. Separation of the legal personality of the company from the partners and the limited liability of the partners towards the debts of the company has caused the companies that are subject to the limited liability system of the partners to provide suitable coverage for high-risk and sometimes fraudulent activities of the partners. This puts the company's property and assets at risk, but at the same time the risk of such risks is due to the limited liability of external partners and is imposed on the company's creditors. The rule of law veiling in English law is a guarantee of fair enforcement, which removes the legal personality of the company and abolishes the rule of limited liability of controlling partners and their direct liability to creditors. In Iranian law, citing Islamic rules such as no harm, prohibition of abuse of rights (Article 40 of the Constitution) and the rule of prohibition of fraud, the theory of piercing the corporate veil can be applied to these rules. In this article, first the rule of piercing the corporate veil is explained and then the judicial procedure of England and Iran is examined by referring to the rules of jurisprudence and common law*

***Keywords:*** "piercing the corporate veil", "Fraud", "fraud, corporations", "limited liability".

---

<sup>9</sup>- Receive Date: 02 October 2021, Accept Date: 22 December 2021.

<sup>10</sup>- PhD student, Department of Private Law Group, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [md\\_hn\\_2005@yahoo.com](mailto:md_hn_2005@yahoo.com)

<sup>11</sup>- Assistant Professor, Department of Private Law Group, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (cross ponding author). [p.piruzi@qodsiau.ac.ir](mailto:p.piruzi@qodsiau.ac.ir)

<sup>12</sup>- Assistant Professor, Department of Private Law Group, Taft Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. [namdarsh@yahoo.com](mailto:namdarsh@yahoo.com)

<sup>13</sup>- Assistant Professor, Department of Private Law Group, Tehran Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [m\\_tabaie@iauec.ac.ir](mailto:m_tabaie@iauec.ac.ir)